

اثربخشی آموزش هوش هیجانی در پیش گیری از گرایش دانش آموزان به سوء استفاده از مواد

محمد نریمانی^۱، نسرین عیوضی^۲، عباس ابوالقاسمی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۹

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی اثر بخشی آموزش هوش هیجانی در پیشگیری از گرایش دانش آموزان به سوء استفاده از مواد مخدر می باشد. **روش:** روش تحقیق شبه آزمایشی از نوع پیش آزمون- پس آزمون با گروه گواه می باشد. جامعه آماری را دختران پیش دانشگاهی شهر اردبیل بود که از میان آنها ابتدا ۲۴۰ دانش آموز به روش خوشه ای تصادفی انتخاب شدند سپس از بین آنها ۶۰ نفر با گرایش بالا به مواد انتخاب و به تصادف در دو گروه آزمایش و گواه گمارش شدند. گروه آزمایش به طور منظم به مدت ۳ هفته در طی ۴ جلسه در دوره آموزش هوش هیجانی حضور یافتند و برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه مقیاس پذیرش اعتیاد و استعداد اعتیاد استفاده شد. **یافته ها:** نتایج حکایت از اثربخشی معنادار آموزش هوش هیجانی داشت. **نتیجه گیری:** هوش هیجانی و ارتقا آن می تواند در پیشگیری از گرایش افراد به سوء استفاده از مواد تأثیر گذار باشد.

کلید واژه ها: هوش هیجانی، اعتیاد، سوء استفاده از مواد

۱- نویسنده مسئول: استاد گروه روان شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، پست الکترونیک: narimani@uma.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل

۳- دانشیار گروه روان شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

مقدمه

سوء مصرف مواد پدیده ای مزمن است که آسیب های فراوان جسمی، روانی، اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی را به دنبال دارد، به طوری که شخص مبتلا را دچار افت جدی در کنش های فردی و اجتماعی می کند (بدریان، ۱۳۸۵). ابتلا به ماده مخدر که از نظر جسمی یا اجتماعی زیان آور شمرده شود، اعتیاد نام دارد. مفهوم دقیق این کلمه آن است که انسان با استعمال نوعی ماده شیمیایی از نظر جسمی و روانی به آن وابستگی پیدا می کند. به طوری که بر اثر دستیابی و مصرف دارو احساس آرامش و لذت به او دست می دهد، اما با نرسیدن دارو، دردهای جسمانی و احساس ناراحتی را تجربه می کند. امروزه مسئولان با مسئله ای جدیدی روبرو شده اند که همان راهیابی انواع مواد مخدر سنتی و شیمیایی به مدارس به ویژه در مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان است. شاید بتوان مدعی شد که یکی از علت های رواج این معضل، قابل دسترس بودن انواع مواد مخدر است. مواد مخدر به قدری فراوان است که هر کسی می تواند با صرف مدت زمان اندکی در هر نقطه از شهر نسبت به تهیه و خرید این مواد اقدام کند. این معضل با استناد به آمار و ارقام تا درب خانه های ما پیشروی کرده است (اردشیری، ۱۳۷۸). دوره نوجوانی از نظر آموزش صلاحیت های اجتماعی و عاطفی، دوره مهمی محسوب می شود. این دوره، به خودی خود عاملی برای چالش عاطفی است. صرف نظر از سایر مشکلات موجود، تقریباً همه دانش آموزان با ورود به این دوره با کاهش اعتماد نفس و جهش در خود آگاهی مواجه می شوند. تفکر آن ها درباره خودشان با آشفتگی همراه است. همچنین عزت نفس اجتماعی آن ها یعنی اطمینان خاطر از دوست یابی و حفظ ارتباط با آن ها نیز با مخاطره مواجه می شود (گلמן به نقل از دیویس^۱، ۲۰۰۱). اعتیاد، در میان قشر فعال جامعه که همان جوانان و دانش آموزان هستند، بیشتر رواج و اهمیت دارد که این موضوع نشان دهنده حجم انبوه مشکلات حاصل از قربانی شدن این قشر برای جامعه است. حال آنکه آموزش همین قشر به راحتی می تواند سرمایه های انسانی زیادی را در جامعه برای سازندگی ذخیره کند (رمضان خانی و حسینیان، ۱۳۸۵). همه ساله افراد مجرم زیادی در زمینه اعتیاد و یا در جرائم مربوط به آن توسط پلیس و یا نهادهای دیگر دستگیر و روانه

زندان و یا مراکز ترک اعتیاد می‌شوند که نشان دهنده اهمیت این مسئله برای جامعه است. امروزه معتادانی که دوباره بعد از ترک سراغ اعتیاد می‌روند کم نیستند و این مسئله نشان‌دهنده یک عدم تعادل در بروز رفتار و واکنش به خواسته‌های داخلی و خارجی می‌باشد. لذا بعد روانشناختی و شخصیت بیش از همه بر بروز اعتیاد در میان افراد تاثیر گذار است و می‌تواند با آموزش حل شود (منشی، سموعی و والیانی، ۱۳۸۲).

هوش هیجانی^۱ به توانایی، ظرفیت یا مهارت ادراک، سنجش و مدیریت هیجانات خود و دیگران، دلالت دارد. (سالوی، ۱۳۸۳). هوش هیجانی یک وضعیت بالقوه است که به شکل اکتسابی می‌تواند افزایش یابد. لذا می‌توان اهمیت آموزش کنترل هیجانات و توانایی حل مسئله را در پیشگیری از اعتیاد مورد توجه قرار داد. از این طریق می‌توان بخش اعظم مشکلات و هزینه‌هایی که سربار جامعه می‌شود را کاهش داد. وجود اعتیاد در میان والدین و خانواده اغلب می‌تواند فرصت اندیشیدن و کنترل هیجانات را از افراد بگیرد که این موضوع بیانگر اهمیت آموزش در زمینه هوش هیجانی است (منشی و همکاران، ۱۳۸۲). افرادی که در ماندگی عاطفی و هیجانی بیشتری دارند، تمایل بیشتری به مصرف مواد مخدر پیدا می‌کنند. به نظر می‌رسد افرادی که در مقابل وابستگی به مواد آسیب پذیرند، در مصرف مواد مخدر راهی فوری برای تسکین عواطف و هیجاناتی پیدا می‌کنند که سال‌ها موجب در ماندگی آن‌ها شده است. این گونه افراد اغلب اوقات گرفتار هیجانات و احساساتی می‌شوند که راه گریزی نمی‌یابند. آن‌ها آگاهی چندانی از عواطف خود ندارند و در نتیجه با احساس فقدان کنترل بر زندگی خود، هیچ گونه تلاشی به عمل نمی‌آورند (گلن^۲، ۱۹۹۵). بنابراین، اجرای برنامه‌های پیشگیری مناسب در قالب روش‌های افزایش هوش هیجانی حائز اهمیت است (سالووی و مایر^۳، ۱۹۹۰). نتایج تحقیقات ترینداد، انگرچو و جانسون^۴ (۲۰۰۴) با موضوع رابطه هوش هیجانی و خطر مصرف سیگار در نوجوانی نشان داد که افراد دارای هوش هیجانی پایین، برای مقابله با هیجان‌های منفی خود به سوی مصرف مواد می‌روند. نتایج پژوهش ترینداد و جانسون (۲۰۰۲) در مورد هوش هیجانی و مصرف تنباکو و الکل در

1. emotional intelligence

2. Goleman

3. Mayer & Salovey

4. Trinidad, Unger Chou & Johnson

نوجوانی نیز نشان داد که بین نمره های بالاتر هوش هیجانی و مصرف کمتر سیگار و الکل در یک گروه از دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش تایلر، باگی و پارکر^۱ (۱۹۹۷) حاکی از آن است که افرادی که به صورت تفریحی مشروبات الکلی مصرف می کنند و همچنین کسانی که به الکل اعتیاد دارند از هوش هیجانی پایینی برخوردارند. تحقیقات پارکر، تیلور، استابروک، شل و وود^۲ (۲۰۰۸) در زمینه هوش هیجانی و مشکلات دوران نوجوانی نشان داد که سطح پایین هوش هیجانی که ناشی از ناتوانی مقابله موثر با هیجان ها و مدیریت آن ها است در شروع مصرف مواد نقش دارد. نتایج پژوهش سیاروچی، فورگاس و مایر (۱۳۸۳) در زمینه هوش هیجانی در زندگی روزمره حاکی از آن است که حدود نیمی از معتادان به مواد مخدر و الکل، هوش هیجانی پایینی دارند. تحقیقات سالوی (۱۳۸۳) نیز نقش حمایتی هوش هیجانی بالا در کاهش خطر گرایش به سیگار و اعتیاد در نوجوانی را تایید می کند، به طوری که در مجموع بین نمره کلی هوش هیجانی و نمره مقیاس افراد الکلی رابطه منفی وجود دارد. به اعتقاد برخی از پژوهشگران (دان^۳، ۲۰۰۴) یکی از مزایای هوش هیجانی، پرهیز از انزوا است و انزوا در افراد معتاد بسیار بالاست. در پژوهش ترینداد و جانسون (به نقل از گلن، ۱۳۸۲) مشخص شد که نوجوانان دارای نمره بالا در هوش هیجانی، میزان سیگار کشیدن و مصرف الکل بسیار پایین داشتند. جناآبادی (۱۳۸۸) پژوهشی در زمینه بررسی رابطه خودآگاهی هیجانی و کنترل تکانه با استعداد اعتیاد بر روی ۱۰۰ نفر از دانش آموزان پسر دوره متوسطه انجام داد. نتایج این مطالعه نشان داد که بین خودآگاهی هیجانی و استعداد اعتیاد رابطه منفی معنادار و بین کنترل تکانه و استعداد اعتیاد رابطه منفی معنادار وجود دارد. از جمله نتایج دیگر این پژوهش این بود که یکی از روش های ایجاد مقاومت در بین دانش آموزان در مقابل سوءاستفاده از مواد مخدر، تقویت عوامل هوش هیجانی، به خصوص خودآگاهی هیجانی و کنترل تکانه است.

در مجموع، می توان گفت که آنچه اساس و سنگ بنای موفقیت انسان ها است، افزون بر دارا بودن هوشبهر مناسب، آموزش و به کارگیری مهارت های شناختی، ابراز و کنترل هیجانات و توانایی همدلی با احساسات دیگران یا به صورت خلاصه، هوش هیجانی بالاست. یادگیری

هوش هیجانی از زمان تولد آغاز شده و در تمامی طول عمر ادامه می‌یابد (سلطانی فر، ۱۳۸۸). بر اساس پژوهش‌ها و سوابق موجود می‌توان گفت که هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن در افراد معتاد پایین‌تر از افراد غیر معتاد است. بنابراین، این سوال مطرح می‌شود که آیا آموزش هوش هیجانی در پیش‌گیری از گرایش دانش‌آموزان به سوءاستفاده از مواد اثربخش است؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش تحقیق از نوع مداخله‌ای و به روش آزمایشی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش را دانش‌آموزان پایه پیش‌دانشگاهی دخترانه شهر اردبیل تشکیل می‌دادند. نمونه پژوهش شامل ۸ کلاس از دانش‌آموزان دختر پایه پیش‌دانشگاهی شهر اردبیل بود که مجموعاً ۲۴۰ نفر بودند و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. به این روش که تمام اعضا نمونه هر سه پرسشنامه را پاسخ دادند. از میان آن‌ها ۶۰ نفر با گرایش بالا (نقطه برش ۲۱) انتخاب شدند و به تصادف به دو گروه ۳۰ نفری تقسیم شدند. هوش هیجانی به ۳۰ نفر از آن‌ها آموزش داده شد و به ۳۰ نفر گروه کنترل هیچ گونه آموزشی ارائه نشد. آزمودنی‌های آزمایش به طور منظم به مدت ۳ هفته در طی ۴ جلسه در دوره آموزشی حضور یافتند. به فاصله یک هفته هر دو پرسشنامه مجدداً توسط کل اعضا گروه‌های آزمایش و کنترل تکمیل گردید.

روش اجرا

جلسه اول به معرفی دانش‌آموزان و آشنایی با یکدیگر و تعریف و توضیح مؤلفه‌های هوش هیجانی و مدیریت استرس و خشم، شناخت هیجان‌ها، نحوه بیان صحیح هیجان‌ها و آموزش خویشتنداری پرداخته شد. در جلسه دوم توضیحاتی درباره مؤلفه‌های هوش هیجانی و کاربردها و افزایش آگاهی از احساسات و شناخت آن‌ها و یافتن پیوند موجود میان افکار و احساسات داده شد، در این جلسه به دانش‌آموزان درباره هوش هیجانی و کاربردهای آن آموزش داده شد و اینکه چگونه با مسلح شدن به مؤلفه‌های هوش هیجانی می‌توان فکر، رفتار

و احساسات سالمی داشت. دانش آموزان با هیجاناتی همچون خشم، اندوه، عشق و ... آشنا شدند. در جلسه سوم درباره درک هیجان ها و تشخیص هیجانی در دیگران و مدیریت هیجان های دیگران و پیش بینی و کنترل هیجان ها آموزش داده شد. انواع تحریفات شناختی و طرحواره های ناکارآمد معرفی شد. همچنین به چگونگی و بیان راه هایی که منجر به آشنایی افراد با هیجان های دیگران می شود پرداخته شد. درباره چگونگی ارزیابی هیجان های دیگران، راه های کسب اطلاعات درباره دیگران، درک طرز کار هیجان ها و درک عواقب و نتایج هیجان ها بحث شد. در جلسه چهارم خود آگاهی و همدلی، کنترل هیجانات ناگوار و هوش هیجانی به عنوان روش مقابله ای آموزش داده شد و به دانش آموزان توضیح داده شد که چطور با دارا بودن مولفه های هوش هیجانی و نهادینه کردن آن ها در خود می توان جلوی تحریفات ایستاد.

ابزار

۱-مقیاس پذیرش اعتیاد^۱: محتوای مقیاس مشخصا مربوط به سوء مصرف مواد بوده و ۱۳ ماده دارد. نمره های خام آن با استفاده از داده های هنجاری پرسشنامه شخصیتی مینه سوتا به نمره های خطی تبدیل می شوند. وید^۲ ضریب های همسانی درونی نمونه ای مرکب از سوء مصرف کنندگان مواد، بیماران روانی و آزمودنی های بهنجار را ۰/۷۴ گزارش داد. او همچنین ضریب های اعتبار باز آزمایی مردان و زنان را به ترتیب ۰/۸۹ و ۰/۸۴ گزارش داد.

۲-مقیاس استعداد اعتیاد^۳: این مقیاس ۳۹ سوال دارد. محتوای سوالات آن ناهمگن است و به نظر نمی رسد که بسیاری از سوالات ارتباط مستقیمی با مصرف یا سوء مصرف مواد داشته باشند. بعضی از سوالات به برون گرایی، هیجان طلبی^۴ و خطر پذیری مربوط هستند سایر سوالات به تردید های نفس^۵، از خود بیگانگی و نگرش های بد بینانه نسبت به دیگران مربوط است. ضریب های اعتبار از نوع باز آزمایی در مقیاس استعداد اعتیاد (با یک هفته فاصله) در مردان و زنان به ترتیب ۰/۶۹ و ۰/۷۷ گزارش شد.

1 .addiction acknowledgment scale
3 .addiction potential scale
5 .self-doubts

2. Weed
4 .excitement seeking

یافته‌ها

آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه به تفکیک گروه و مرحله آزمون در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه به تفکیک گروه و مرحله آزمون

متغیرها	آزمایش				کنترل			
	پیش آزمون		پس آزمون		پیش آزمون		پس آزمون	
	SD	M	SD	M	SD	M	SD	M
استعداد اعتیاد	۱/۵۵	۲۳/۷۳	۲/۰۱	۱۹/۳	۱/۷۳	۲۳/۰۸	۱/۷۷	۲۳/۴۳
پذیرش اعتیاد	۰/۶۲	۴/۵۳	۱/۲۲	۳/۷۶	۰/۶۷	۴/۶	۰/۶۸	۵/۵۳

برای بررسی تفاوت نمرات استعداد اعتیاد و پذیرش اعتیاد از تحلیل کواریانس چندمتغیری استفاده شد. نتایج حکایت از معناداری تفاوت‌ها داشت ($F=۰/۷۷۱$, $P<۰/۰۰۱$)، $F=۹۶/۱۷۸$, $P=۰/۲۲۹$ (لامبدای ویلکز). برای بررسی الگوهای تفاوت از تحلیل کواریانس تک متغیری به شرح ذیل استفاده شد.

جدول ۲: نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری برای بررسی الگوهای تفاوت در پذیرش و استعداد اعتیاد

متغیرها	میانگین مجذورات	آماره F	معناداری
استعداد اعتیاد	۴۳/۳۵	۳۰/۲۴۳	۰/۰۰۰۵
پذیرش اعتیاد	۲۲۴۸/۰۶	۱۸۳/۶۷۰	۰/۰۰۰۵

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود در استعداد اعتیاد ($F=۳۰/۲۴۳$, $P<۰/۰۰۱$)، و پذیرش اعتیاد ($F=۱۸۳/۶۷۰$, $P<۰/۰۰۱$) تفاوت معناداری بین دو گروه وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر اثربخشی آموزش هوش هیجانی در پیش‌گیری از گرایش دانش‌آموزان به سوءاستفاده از مواد بود. در رابطه با تأثیر آموزش هوش هیجانی در کاهش استعداد و پذیرش اعتیاد دانش‌آموزان به سوءاستفاده از مواد نتایج نشان داد که در گروه‌های مورد مطالعه از نظر متغیرهای وابسته تفاوت معناداری وجود دارد. آموزش هوش هیجانی باعث کاهش استعداد و پذیرش اعتیاد در گروه آزمایش شد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش

ترینداد و همکاران (۲۰۰۴) مبنی براینکه افراد دارای هوش هیجانی پایین برای مقابله با هیجان‌های منفی خود به سوی مصرف مواد روی می‌آورند، همخوانی دارد. همچنین با پژوهش‌های ترینداد و جانسون (۲۰۰۲) و پارکر و همکاران (۲۰۰۸) نیز همخوان است. تایلر و همکاران (۱۹۹۷) و جناآبادی (۱۳۸۸) نشان دادند که یکی از روش‌های ایجاد مقاومت در بین دانش‌آموزان در مقابل سوءاستفاده از مواد مخدر، تقویت عوامل هوش هیجانی است. با توجه به یافته‌های این پژوهش و تحقیقات انجام شده می‌توان گفت که یکی از راه‌های مقاوم‌سازی دانش‌آموزان و نوجوانان در مقابل حضور عوامل خطرزا، از جمله مواد مخدر، تقویت مولفه‌های هوش هیجانی است. از طریق آموزش هوش هیجانی، فرد دانش ارتباط و علت هیجان را به دست می‌آورد و اطلاعاتی را درباره چرایی و چگونگی برانگیخته شدن در موقعیت‌های مختلف کسب می‌کند. این توانایی برای فهم تحلیل تجربه‌های هیجانی به توانایی فهم خویشتن در ارتباط بهتر در محیط منجر می‌شود و تنظیم کارآمد هیجان‌ها و مقاوم بودن را پرورش می‌دهد که سالووی و مایر (۱۹۹۰) این حالت را سواد هیجانی می‌نامند. یافته‌های این پژوهش با این فرض که کسانی که در دوره‌های سوادآموزی هیجانی شرکت می‌کنند، در زمینه‌هایی چون فشار همسالان، مصرف مواد مخدر و روی آوردن به دخانیات و سایر اعتیادها کمتر دچار مشکل می‌شوند، همخوانی دارد. کنترل هیجانی به شخص اجازه می‌دهد که در مقابل محرکات محیطی بهتر فکر و عمل کند و می‌تواند شبکه‌های حمایت اجتماعی محکم‌تری در اطراف خود بسازد و فرد را از کناره‌گیری اجتماعی دور کند. سوءمصرف مواد موجب وابستگی فیزیولوژیکی و روان‌شناختی فرد به مواد اعتیاد آور می‌شود و بر عملکرد فردی و اجتماعی او تأثیرات نامطلوب می‌گذارد.

در رابطه با تأثیر آموزش هوش هیجانی بر ابراز هیجان، تنظیم هیجان و بهره‌برداری از هیجان، نتایج نشان داد که در گروه‌های مورد مطالعه بین متغیرهای وابسته تفاوت معناداری وجود دارد. آموزش هوش هیجانی باعث افزایش ابراز هیجان، تنظیم هیجانی و بهره‌برداری هیجانی در گروه آزمایش نسبت به کنترل شد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش سالووی و مایر (۱۹۹۰) همخوانی دارد. سالووی و مایر (۱۹۹۰) بر اساس تعریف خود چهار مولفه را ذکر کرده‌اند: ۱- ادراک و ابراز هیجان ۲- تسهیل هیجانی تفکر ۳- فهم و تحلیل هیجان‌ها و به کارگیری و

آگاهی هیجانی ۴- تنظیم واکنشی هیجان. سالووی و مایر (۱۹۹۰) نشان دادند که برای ارتقای رشد هیجانی و عقلانی بسیاری از پژوهشگران بر این اعتقادند که بین هوش هیجانی و عملکرد موثر در تطابق با اقتضائات روزمره زندگی رابطه وجود دارد. سیاروچی و همکاران (۲۰۰۲) عنوان کردند که هوش هیجانی عامل موثر و تعیین کننده در برآیندهای زندگی واقعی مانند موفقیت در مدرسه و تحصیل، موفقیت در شغل، در رابطه بین شخصی و به طور کلی در کنش وری سلامت می باشد. سالووی و مایر (۱۹۹۰) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که زمانی که شخص ادراک هیجانی مناسبی داشته باشد و بتواند به صورت سریع و دقیق تغییرات خلقی و هیجانی خود را شناسایی کند، گستره‌ای از اطلاعات را برای کنترل و مقابله با احساسات به دست می آورد. در حقیقت فردی با هوش هیجانی می تواند به صورت منظم با حالات بی ثباتی خلق مقابله کند و در این زمینه می توان آموزش لازم را به دانش آموزان ارائه داد تا بتوانند هیجانات خود را کنترل کنند. محمدی، ترابی و غرایبی (۱۳۸۸) نشان دادند که مجهز شدن به هوش هیجانی، مجهز شدن به سبک مقابله‌ای موثر و کارآمد در مقابل مشکلات می باشد و به تبع آن بهزیستی ارتقاء می یابد. بنابراین، با توجه به تحقیقات انجام شده و نتایج پژوهش حاضر آموزش مهارت‌های هوش هیجانی از طریق دستکاری ویژگی‌های شناختی و رفتاری دانش آموزان موجب ارتقای قدرت ابراز هیجان آنان می شود. آموزش مهارت‌های هوش هیجانی به دانش آموزان یاد می دهد که چگونه روابط میان فردی معناداری داشته باشند، بتوانند با دیگران به درستی و بدون مشکل ارتباط برقرار کنند و توانایی‌های خود را ارزیابی کنند و این پدیده‌ای کاملاً مرتبط با ابراز هیجان آنها است (استرن^۱، ۲۰۰۷). هوش هیجانی نوعی فرا توانایی است که مشخص می کند چگونه بتوانیم از سایر مهارت‌های خود از جمله ضریب هوشی به بهترین وجه استفاده کنیم. هوش هیجانی آموزش پذیر است (گلنن، ۱۹۹۵) و وقتی آموخته شد باعث ارتقای شناخت احساسات خویش و دیگران، بهبود خود کارآمدی، افزایش کنترل هیجانات و تنظیم هیجان، توانایی اداره مطلوب خلق و خو و افزایش توان حل مسئله و بهره برداری از هیجانات می گردد.

به طور کلی نتایج پژوهش‌های موجود نشان می‌دهند که هوش هیجانی، به لحاظ آن که ارتباط مثبت و معناداری با سلامت روانی افراد دارد، راهکاری مناسب برای پیش‌گیری از رفتارهای مخاطره‌آمیز محسوب می‌شود. از این رو تقویت هوش هیجانی می‌تواند به ارتقاء سلامتی و در نتیجه پیش‌گیری از گرایش اعتیاد منتهی شود.

منابع

- اردشیری، مهداد (۱۳۷۸). *فرهنگ اعتیاد و مواد مخدر*. تهران: نشر مهداد اردشیری
- بدریان، فخرالدین (۱۳۸۵). *مجموعه کامل قوانین و مقررات مواد مخدر*. تهران: انتشارات دانشور.
- جنآبادی، حسین (۱۳۸۸). بررسی رابطه‌ی خودآگاهی هیجانی و کنترل تکانه از مولفه‌های هوش هیجانی با استعداد اعتیاد دانش‌آموزان پسر دوره‌ی متوسطه. *پژوهشنامه مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۹، ۷۳-۸۴.
- خسرو جاوید، محمد (۱۳۸۱). *بررسی اعتبار و روایی سازه مقیاس هوش هیجانی شوت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه تربیت مدرس
- رمضان‌خانی، فاطمه و حسینیان، سیمین (۱۳۸۵). *بررسی تأثیر و اهمیت نقش خانواده در سلامت روان با توجه به برخی ویژگی‌های دموگرافیک معتادان متاهل و مجرد*، چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران.
- سالوی، پترس (۱۳۸۳). *هوش هیجانی*. ترجمه‌ی نسرين اکبرزاده، تهران: نشر رشد. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۰)
- سلطانی فر، عبید (۱۳۸۶). *هوش هیجانی، فصلنامه اصول بهداشت روانی*، ۹ (۳۵ و ۳۶)، ۸۴-۸۳.
- سیاروچی، ژوزف، فورگاس، ژوزف، مایر، جان (۱۳۸۳). *هوش عاطفی در زندگی روزمره*. ترجمه، اصغرنوری امام‌زاده‌ای و حبیب‌الله نصیری. اصفهان: نشر نوشته (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۳)
- گلמן، دانیال (۱۳۸۲). *هوش هیجانی*، ترجمه نسرين پارسا، تهران: چاپ ششم، نشر رشد.
- محمدی، سید داود؛ ترابی، سیداسماعیل؛ غرابی، بنفشه (۱۳۸۸). ارتباط سبک‌های مقابله‌ای با هوش هیجانی در دانش‌آموزان شهر تهران *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۴ (۲)، ۱۷۶-۱۸۳.
- منشی، غلامرضا؛ سموعی، راحله و والیانی، محبوبه (۱۳۸۲). *نقش آموزش مهارت‌های زندگی بر پیشگیری از اعتیاد جوانان شهر اصفهان*. مجموعه مقالات اولین همایش تبیین علمی بزه‌دیدگان و راهکارهای پیش-گیرانه. اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- Ciarrochi, J, Dean, F, Anderson, S. (2002). Emotional intelligence moderats the relation ship between stress and mental health. *Personality and Individual defferences*, 32,197-209.

- Davies, L. (2001). *Emotional Intelligence: An Essential Component of Education, Educational Materials: Dedicated to Helping Children Thrive*. <http://www.kellybear.com>.
- Dunn, S. (2004). Emotional intelligence & Addiction; 10 Key points by Sussan Dunn, The EQ coach, *Journal of substance abuse treatment*, 15, 129-136.
- Goleman, D. (1995). *Emotional intelligence*. New York. Bantan Books.
- Parker, J. D. Taylor .R. N. Eastabrook. J. M. schell, S.L. & Wood, L. M. (2008). problem gambling in adolescence: Relationships with internet misuse.gaming abuse and emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 45, 174-180.
- Salovey, P. and Mayer, J. D. (1990). Emotional intelligence. *Imagination, Cognition, and Personality*, 9, 185-211.
- Shutte, N.S., Malouff, J. M., Han, L. E., Haygerty, D. J. Cooper, J, T., Golden, C. J. & Dornbeim, L. (1998). Development and validation of a measure of emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 25, 167-177.
- Stern, R. (2007). *Social & Emotional Learning: What is it? How can we use it to Help our children*, New York University School of Medicine.
- Taylor, G. J., Bagby, R. M., & Parker, J. D. A. (1997). *Disorders of Affect Regulation: Alexithymia in Medical and Psychiatric Illness*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Trinidad, D. R., & Johnson, C. A. (2002). The association between emotional intelligence and early adolescent tobacco and alcohol use. *Personality and Individual Differences*, 32, 95-105.
- Trinidad, D., R. Unger, J., B. Chou, C. P., & Johnson, A. (2004). The protective association of emotional intelligence with psychosocial smoking risk factors for adolescents. *Personality and Individual Difference*, 36, 645-654.

Effectiveness of Teaching Emotional Intelligence in Preventing Students' Tendency to Substance Abuse

Narimani, M.¹, Eyvazi, N.², Abolghasemi, A.³

Abstract

Objective: This study was aimed at investigating the effectiveness of teaching emotional intelligence in preventing students' tendency to substance abuse. **Method:** Research design was quasi-experimental contained a pretest-posttest alongside a witness group. Pre-university female students of Ardabil constituted the statistical population of the study; among them, 240 students by random cluster sampling. Then, 60 individuals with a high tendency to drugs were selected and randomly assigned to experimental and control groups. The experimental group regularly attended training classes of emotional intelligence for 3 weeks in 4 sessions. Addiction Potential Scale and Addiction Acknowledgment Scale were used for data collection purposes. **Findings:** The results indicated the significant effectiveness of teaching emotional intelligence. **Conclusion:** Emotional intelligence and its promotion can be effective in preventing people's tendency to substance abuse.

Keywords: Emotional Intelligence, Addiction, Substance Abuse

۴

4

سال هشتم، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۹۳
Vol. 8. No. 30. Summer 2014

1. Author-in-chief: Professor Of Psychology Department, University of Mohaghegh Ardabili,
Email: narimani@uma.ac.ir

2. M.A. Student of Psychology, Islamic Azad University of Ardabil

3. Associate Professor of Psychology Department, University of Mohaghegh Ardabili